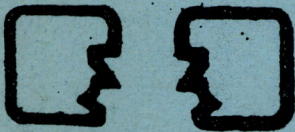


# دفتر فعالیتهای دموکراتیک



سال دوم شماره ۱۱ بهمن ۶۵

## بهرت مطالب

- ۱- پاسخ دبیرخانه کمیته مرکزی به سازمان وحدت کمونیستی
- ۱- پیام همبستگی کمیته خارج از کشور به میرشیللی
- ۲- پیام کمیته کردستان خطاب به کمیته مرکزی سازمان
- ۱- گزارشی از یک صحنه سنگسار
- ۶- دنامه از ایران
- ۶- گزارش کوتاهی از اعتراض پناهندگان علیه استرداد دانمارک
- ۱- گزارشی از کانن ایرانیان لندن
- ۱- میتینگ ضد فاشیستی (هانوفر)
- ۹- ۱۰ ماه برای حقوق پناهندگی
- ۱۰- هفته دانشجویان خارجی در هامبورگ
- ۱۱- جشن میرشیللی در پاریس
- ۱۲- گزارش کوتاهی از کنگره صلح در دانمارک
- ۱۳- اخبار

توضیح :

مدتی قبل سازمان وحدت کمونیستی با توجه به اوضاع سیاسی ایران پیشنهاد ایجاد جبهه‌ای از نیروهای چپ را به سازمان ما و سایر نیروهای چپ ارائه کرده است. اساس پیشنهاد این سازمان که در نامه مورخه ۲۰ ژوئیه ۱۹۸۶ کمیته خارج از کشور سازمان وحدت کمونیستی به سازمان ما و سایر نیروها نوشته شده است، در قسمتی از این نامه چنین بیان شده است: "اشاره کنیم که مخاطب قرارداد شما، هرگز به معنای حذف سایر سازمانها و جریاناتی که به جنبش چپ ایران تعلق دارند نمی باشد. چرا که ما اساسا چه از نظر پیش و چه از نقطه نظر منس، مخالف حذف و طرد مخالفین خود در طیف چپ بوده و هستیم. هدف در واقع جلب همه جریانات چپ است ( منهای حزب توده و جناحهای مختلف اکثریت و جریاناتی از این قبیل و نیز گرایشاتی که تحت عناوین مختلف و با ظاهر چپ بطور آشکار مبلغ همکاری با بدیل‌های بورژوازی اند ) و تبادل نظر باشما تنها به منزله آغاز کار و ایجاد یک هسته مرکزی بمنظور فراهم ساختن زمینه‌های لازم برای جلب سایر سازمانها و گروههای چپ می باشد. پرواضح است که حصول به یک استراتژی واحد در همه زمینه‌ها محتاج به گفتگو و تبادل نظر میان سازمانها و جریانات موجود است. از این رو مصرا خواستاریم که با برپائی یک جلسه مشترک از نمایندگان سازمان‌هایی که به جنبش کمونیستی ایران تعلق دارند گفتگو و تبادل نظر در جهت دستیابی به یک برنامه عملی مبارزاتی راه‌چپ زودتر و از هم اکنون آغاز کنیم. فرد ایکبار دیگر بر خواهد بود. منتظر پاسخ کتبی رفا هستیم."

دبیرخانه سازمان نیز بصورت کتبی به پیشنهاد این سازمان پاسخ داد که در رد فتر درج شده است. طبق گفته نماینده سازمان وحدت کمونیستی پاسخ حزب کمونیست (کومله) به پیشنهاد آنها مساعد بوده است. اما آنها هنوز با جریان توکل و سازمان چریکهای فدائی خلق ایران تماس نگرفته‌اند. البته ما نظر خود را نسبت به جریان توکل (که حاکی از افشای و طرد این جریان است) به نماینده وحدت کمونیستی صراحتا مطرح کرده ایم.



مانیز با شما هم نظر هستیم که اوضاع سیاسی ایران در مرحله تحولات  
نوبنی است: اینکه رژیم جمهوری اسلامی در یک وضعیت کاملاً مستأصل قرار  
دارد، ناراضی و اعتراضات توده‌ای به مرحله انفجار رسیده، جنب و جوش  
جریانات اپوزیسیون لیبرالی ضد انقلابی افزایش چشمگیری یافته، و اینکه اپوزیسیون  
انقلابی و دمکرات علیه رژیم ولایت فقیه کاملاً در یک وضعیت پراکنده بوده و بالاخره  
اینکه یک آلترناتیو چپ و انقلابی در مقابل رژیم اسلامی وجود ندارد.

با اعتقاد به ضرورت برپا آمدن یک آلترناتیو انقلابی، به مثابه بهترین  
عامل برای پاسخگویی به جنبش روزافزون توده‌ای برای سرنگونی رژیم اسلامی، ما  
از تلاش‌های شما باخاطر پاسخگویی به ضرورت یک جبهه انقلابی استقبال می‌کنیم.  
طبعاً پلانم چنین جبهه‌ای می‌بایست بر محور سرنگونی رژیم و ضدیت با  
سرمایه‌داری حاکم بر ایران باشد. اما معتقدیم که در شرایط کنونی هنوز امکانات  
واقعی برای شکلگیری یک جبهه انقلابی فراهم نیست. و به علاوه، ما اعتقادی  
به تشکیل جبهه‌ای صرفاً از نیروها و جریان‌های چپ نداشته، بلکه تشکیل جبهه  
می‌تواند در برگیرنده سازمان‌ها و جریان‌های چپ، دمکرات و ترقی‌خواه باشد.

در شرایط کنونی زمینه‌های واقعی برای اتحاد عمل بین سازمان‌های چپ و  
دمکرات فراهم است. باید هر چه بیشتر برای به عمل درآوردن این امکانات واقعی  
جهت اتحاد عمل‌های گسترده، در سطوح مختلف و بر سر مسائل گوناگون، به  
صورت دو جانبه یا چند جانبه بین سازمان‌های انقلابی و دمکرات گام برداشت.  
ما آمادگی خود را برای اتحاد عمل اعلام نموده و فعالان در این راه گام بر میداریم.

با اهدای پیروزی

دبیرخانه کمیته مرکزی

سازمان کارگران انقلابی ایران (راه کارگر)

تلاش‌های ایران (راه کارگر)

# پیام همبستگی کمیته خارج از کشور به میرشیلی

ترجمه پیام به رفقای میرشیلی

پیام سازمان کارگران انقلابی ایران (راه کارگر) کمیته خارج از کشور  
به میرشیلی بمناسبت بیست و یکمین سالگرد تأسیس ( تولد )

رفقای عزیز

مبارزات مردم شیلی و نقش مید راین مبارزات ، زیانزد جهانیان است . مردم قهرمان شیلی و در رأس آن ، طبقه کارگر ، قادر گردیده اند با سازماندهی خود و سازماندهی یک مبارزه انقلابی ، گامهای عظیمی در راه سرنگونی دیکتاتوری سرمایه که توسط پینوشه در کشور شما اعمال میشود ، بردارند . بطور قطع ، تلاش های امپریالیزه جهانی ، به سرکردگی امپریالیزم آمریکا ، در خاموش کسزدن آتش مبارزه در شیلی ، بی ثمر خواهد بود . آمریکا با واژه از مبارزات گسترده و عمیق مردم شیلی ، حتی قادر به جایگزین کردن پینوشه توسط یکی دیگر از وابستگانش نیست و طبقه کارگر شیلی و سازمان های راهبرش ، تا نابودی کامل سرمایه داری و استقرار سوسیالیزه دست از مبارزه نخواهد شست . مردم ایران ، بویژه طبقه کارگر و ما ، سازمان کارگران انقلابی ایران ( راه کارگر ) همواره همبستگی خود را با مردم شیلی و میر ، که مبارزه ای انقلابی جهت استقرار یک حکومت مردمی و سوسیالیست را جاری ساخته اند ، اعلام کرده ایم .

زنده باد همبستگی بین المللی !

مرگ بر امپریالیزم جهانی به سرکردگی امپریالیزم آمریکا !

مرگ بر پینوشه !

زنده باد آزادی ! زنده باد سوسیالیسم !

سازمان کارگران انقلابی ایران (راه کارگر)

کمیته خارج از کشور ۲۴ اکتبر ۱۹۸۶

\* \* \* \*

## پیام کمیته کردستان خطاب به کمیته مرکزی سا زمان

کمیته مرکزی سازمان کارگران انقلابی ایران (راه کارگر) شهادت ناپهنگام و جانگداز رفیق حمید طهماسبی (کاک محمود) ، عضو لایق کمیته مرکزی و آموزگار سخت کوش و شایسته خود را کینه ماعقه وار بر ما فرو آمد ، بر تک تک اعضاء کمیته مرکزی تسلیت میگوئیم .

رفقای ما از نزدیک با تک تک اعضاء کمیته مرکزی کار نموده و آشنائی ندارند ، ولی کارکرد و فعالیت بی شائبه رفیق محمود ، مهر و عاطفه برادری او به تک تک ما و تلاشهای بی پایانش در راه پیشبرد خط سازمان و به پیروزی رساندن اهداف کارگران و زحمتکشان و سادگی و فروتنی از حد به بالائی ایشان به نیاید داد گرامسی بداریم رفقای بزرگوار کمیته مرکزی سازمان را .

کمیته ما بنشابه سربازان رزمنده ، تابع و گوش بفرمان نظرات انقلابی ، صحیح و دقیق رفقای کمیته مرکزی بوده و خواهد بود و در راه اجراء و پیاده نمودن آنان از فشار هیچ چیز نریزیم ندانسته و نخواهد داشت . رفقای بزرگی همچون رفیق محمود که خود نمونه نظم و رعایت کامل اصول سانترالیسم - دمکراتیک بوده اند و پیشاپیش این آموزش را بما داده اند ، امید داریم سربازان شایسته اجرای فرمانهای کمیته مرکزی باشیم .

رفیق محمود اگر چه اکنون در میان ما نیست ، اما بجای او در طول چند سال گذشته ، چنان تشکیلات پولادین و آنچنان شاگردان وفاداری ساخته است که نه تنها هیچگونه خطر آنچنانی از همسج ستمی ما را تهدید نمیکند بلکه در آینده نیز تشکیلات مبارک کردستان شتابان به حرکت خود ادامه خواهد داد و تک به تک رهنمودها و آموزشهای فراوان رفیق آموزگار کاک محمود را بکار خواهد بست و تا فتح بلندترین قله رهائی از پای نخواهد نشست .

با ایمان به پیروزی راه سرخ پرولتاریا !

فرود بر کمیته مرکزی ما !

فرود بر رفیق حمید طهماسبی فرزند والای کارگران ایران !

از سوی تک تک رفقای تشکیلات کردستان  
سازمان کارگران انقلابی ایران (راه کارگر) - کمیته کردستان

در اوائل ماه تیر ۶۵ تبلیغات وسیعی از طرف انجمن های اعلامی مساجد در محلات مختلف شهرستان کرج حول سنگسار تعدادی از "مفسدین فی الارض" انجام گرفت. قبل از این توسط مجامع خبری اعلام شده بود ۱۵ نفر در یک خانه واقع در گوهردشت دستگیر شده اند. بعضی ها گفته بودند ۶۰ نفر در شرکت داشته اند (یک جشن تولد) و اکثریت میگفتند خانه تیمی بوده است اما در هر صورت قرار بود ۱۰ نفر را در گوهردشت و دیگران را در سایر نقاط کرج ۲ نفر از سنگسار کنند. نفراتی که در گوهردشت قرار بود سنگسار شوند یک زن و یک مرد بودند تاریخ سنگسار ۷ تیر ۶۵ ساعت ۲ بعد از ظهر بود. محل دقیق فلک اول گوهردشت ضلع جنوب شرقی (قسمتی که یک زمین خالی بزرگ دارد)، بود. از چند روز قبل بالود روگردید و بولد و زرمحل مورد نظر راهموار کرد و بعد تپه خاکی ساختند که در رأس آن دو عدد لوله بتونی بزرگ را با صورت چاه نصب کرده بودند. در اطراف تپه های خاکی مقدار زیادی آجر سفالی با کامیون آوردند. روز قبل از "سنگسار" با ماشین گشت سپاه در خیابانهای گوهردشت بوسیله بلندگوساعت عطیات غیرانسانی را اعلام میکردند. محوطه را به دو قسمت زنانه و مردانه تقسیم کرده و بوسیله سیم خاردار بیوار کشی کرده بودند. فرد ای آن روز (یعنی ۷ تیرماه) خیابانهایی که از کرج به گوهردشت ختم میشد بستند. مثلاً سه خیابان گوهردشت (سه راه گوهردشت) گشت ثارالله مستقر بود و از ورود اتومبیل بعد اخل گوهردشت جلوگیری میکرد. بعضی از اتومبیلها نیز بازرسی میشدند و کارت های هویت آنها مورد بازرسی قرار میگرفت.

جمعیت نسبتاً زیادی برای دیدن این جنایت آمده بودند. اکثری میگفتند اینها سیاسی هستند و خیلی کم و بندرت قبول میکردند که سیاسی نباشند (البته نه به این خاطر که بگویند سیاسی ها از این کارها میکنند بلکه بخاطر اینکه اعتقاد داشتند رژیم به این وسیله هم میخواهد سیاسی را بکشد و هم زهرچشمی از مردم بگیرد). یکی بلند صحبت می کرد و بعد دستش میگفت: مگر ما را از خاطر دعوا به کمیته نبرده بودند؟ که آن زن و مرد را آوردند که بجرم زنادرستگیر شده بودند؟ پس چطور شده که آنها را بعد از چند روز آزاد کردند؟ تازه آنها خودشان هم اعتراف کرده بودند. مگر میشود ۱۵ نفر را با هم دستگیرکنند و همه را به جرم زناکاری سنگسار کنند؟

من که سعی داشتم از لحظات سنگسار عکس تهیه کنم، جو را کاملاً یلپسی دیدم اکثری از این وضعیت و اینکه اعمال نگران و متوحش بودند. بعضی ها هم از بی تفریحی آمده بودند تا صحنه را ببینند. در ورتاد ورتپه ها به فاصله حدود ۱۰۰ متر آدم ایستاده بود. لذا امکان گرفتن عکس منتفی شد. به قسمت شمال شرقی فلک رفتم که یک ساختمان نیه کاره در آنجا بود و تعداد زیادی آدم هم در آن بالانشسته بودند. خود را به نقطه ای رساندم و نشستم. آخوند مزدور آمد و شروع کرد به پاره گویی، که اینها چه کرده اند، و اینها باید بپایند که مردم سزای اعمالشان را خواهند داد. و اشاره به کسانی که به حرفهای آخوند میخندیدند و او را مسخره میکردند گفت فردا هم نوبت شماست فردا هم نوبت همه شماست! قبل از شروع صحبتهای آخوند و نفری که روی سرشان گونی انداخته بودند، از داخل ماشین تیوتائی کدره مان

وسط‌ها پارك بود پائين آوردند ، آنها كفش پايشان نبود و لباس سفيدى (كفن) بر آنها پوشانده بودند .  
 دلهره و وحشت جمعيت افزوده شد و گامهاى به عقب برداشتند . تعداد اندكى بود كه در جلو مستقر  
 بودند و معلوم بود از عوامل رژيم هستند . با زور و هول دادن آنها رابه داخل د و چاهك كردند و با خاكها  
 و سنگهاى كه قبلابراى اينكار در آنجا گذاشته بودند بوسيله پيل به داخل چاه ريختند . در موقعى كه خاك ،  
 درست از يغل بدن شخصى كه داخل چاه بود پائين نيميرفت بانوك بيل و با زور جا باز ميكردند ، هر دو آنها  
 بيچ و تاب ميخوردند . گويادها نهاى آنها را نيز بسته بودند . در ستان شان نيز از پشت بسته بود . صحنه  
 فجيع و تكاند هندهاى بود . مردم غرور ميكرندند . خيلىها از آمدن خود پشيمان بودند اما ميخواستند به  
 هر صورت از نتيجه كار بيخبر نباشند . پس از بيان اين عمليات و پايدان يا وه گوئىها و رجز خوانىهاى آخوند  
 جنايتكار ، يكباره آخوند كه پشت ميكروفون صحبت ميكرد با حيوانى ترين شكل فرياد زد : بزنيد ، بزنيد اين  
 مفسد بين فى الارض را ! همان چند نفر جلو شروع به پرتاب كردن پاره آجر به طرف د و نفر " سنگسار "  
 شوند ه كردند . در همان لحظات اول تمام بيكرشان (كفنشان) از خون رنگين شد و جمعيت شروع به فرياد  
 كشيدن كرده و فرار نمودند و در عرض چند دقيقه همه جمعيت پراكنده شدند ولى اين مزدوران هنوز به كار خود  
 مشغول بودند و در آخريابتون به كله هريك از آنها كوبيدند و تا چند ساعت جنازهها به همين شكل باقى مانده  
 بودند . حزب اللهىها بروى جنازهها كفاره مي ريختند . بيه مردم در حال فحش دادن به طرف خانههاى  
 خود حركت كرده و بين راه ميگفتند : حتى اگر اينها خلاف كار هم باشند ، با اين شيوه كه درست نميشود  
 بد بختى ماد را اين نيست كه چند نفر خلاف كار باشند ، بلكه بد بختى ماد را اين است كه جامعه خراب است .  
 بيكارى زياد است ، فقر مردم رابه خلافتارى ميكشاند . تقصير خود د ولت است . . .

پد ۲۵/۹/۶۵



## د و نامه از ایران

از ویرانی، گرانی و فشار طاقت فرسای اقتصاد که برزندگی زحمتکشان کشورمان وارد می‌شود، زیاد شنیده و خوانده ایم. در نوشته زیر که قطعهای از نامه خانوادگی رفقا است ما با گوشه‌گیری از این فلاکت از زبان مردم آشنایم شویم.

..... وضع ایران با اون موقعی که شما اینجا بودید خیلی فرق کرده یعنی روز بروز فرق می‌کند و اوضاع و شرایط جامعه با آن زمان قابل قیاس نیست. از وضع حقوق پرسیده بودی که توضیح مختصری در این مورد می‌دهم و توضیحی در مورد کل اوضاع، البته عده زیاد یی‌خصوص از کارگران راه عنوان مختلف از ادارات و کارخانجات اخراج کرده‌اند ولی حقوقها به آن صورت که منظر شماست کم‌نشد و ولی تورم و گرانی د هها بار بیشتر شده یابه عبارت بهتر قدرت خرید حقوق بگیران خیلی کمتر شده و فشار زندگی به مراتب بیشتر از گذشته، برای نمونه فقط برای نمونه نه تمام قضا یا مثلاً مدت ۶ ماهه که برنج کوپنی اعلام نشده و گوینا د یگر هم اعلام نخواهد شد، برنج ایرانی هم به کیلوسی ۱۱۰ تومان یا بیشتر رسیده، کره مدت‌هاست اعلام نشده اصلاً جزو تجملات به حساب می‌آید و د یگه ایرانیهارنگش نمی‌بینن (البته تمام این‌ها محتاج عمومی از قبیل کره، برنج، روغن، بهترین میوه‌ها و انواع گوناگون پنک و بیسکویت د روسیها مارکت‌های شیخ نشین - های خلیج فارس، به وفور و زیر قیمت اصلی پیدا می‌شود) گوشت بیخ زده (ببخشین کود بیخ زده) کوپنی شده و اون هم باصف‌های طولانی گوشت آزاد اگه پیدایشه کیلوسی ۲۰۰ تا ۲۵۰ تومان، شیرخشک بچه جیره بندی شده و فقط به بچه‌های تا یکسال اون هم به مقدار کم با آزمایش‌ها د ر بچه از نظر جسمانی تعلق می‌گیره، برای شیر پاستوریزه هم من صبح‌ها ساعت ۵ میرم توی صف نوبت می‌گیرم شیر ساعت ۸ صبح میاد و تا این ساعت برای من ایستادند و صرف مقدار نیست (۰۰۰) بچه رو بغل می‌کنه میره توصف برای یک یاد و شیشه شیر. ببینید چند ساعت وقت لازمه آدم علاوه بر اینکه به هیچ کاری نمی‌رسه از نظر جسمی و روحی هم مردم وضع خوبی ندارند. خلاصه تقریباً قحطی است و خودمان خبرند اریم! همه چیز صفی شده حتی برای نون یعنی خوراک عموم مردم هم صف‌های طولانی ایجاد می‌شه ما هم که اداری هستیم و همه کاره‌های نسیم مجبوریم اغلب ما محتاج زندگی را آزاد تهیه کنیم و اینجا است که حقوق‌بهداست نخورده د ر این مدت ۷ سال کفاف زندگی را نمی‌دهند. شامپو، مایع ظرفشویی، پودر لباسشویی - صابون و سایر چیزها از این قبیل بندرت پیدا میشه و اگر هم بعد از چند ماه مغازه‌ها آنها را توزیع کنند د ر عرض یک چشم به‌مزدن و ناد عوا و زد و خورد فوری تمام میشه و باز سرخیلی‌های بی‌کلاه میمونه. هفته گذشته هم پنزین مانند سابق کوپنی شد و عده‌ای که بیکیسار بودند و چرخ زندگی مشکل و ملال آور خود و خانواده خودشان را از مسافر کشی تأمین میکردند یکی تو سبزه خود شون میزندن یکی توشه ماشین و اغلب به این نتیجه رسیدند که بهترین راه برای تأمین زندگی و معاش خانواده د ر ذی است! وسیله نقلیه عمومی هم با نبودن وسیله نقلیه شخصی کفاف جمعیت تهران را نمی‌دهد و تا بویوسا د رست مانند گوسفند آدم رو سوار میکنند و مردم هم از روی ناچاری سوار میشوند خلاصه اوضاع خیلی قمر د ر غرقه و انقلاب وارونه شده و بر علیه خود مردم وارد عمل گردیده همه مردم برخوردشان لعنت می‌فرستند با این انقلاب. با همه این اوضاع و احوال که تازه خلاصه‌ای از وضع موجود و مشکلات گریبانگیر ما بود آیا باز هم توقع داری ما جواب نامه شما را سریع بد هییم و یا ساری به شما بزنیم البته چون خود نامه‌هاست

اصرازد اشتی من این مطالب را بیان کردم و آلا به جان بچه‌ها اصلا دلم نمی‌خواست اینطور بشه و برای آگاهی شما باید حقیقت را میگفتم .....  
خلاصه‌ای از نامه‌ای دیگر :

دوست بسیار عزیز از وضع کاریگیم که زیاد چنگی بدل نمی‌زند . از افزایش حقوق و اضافه‌کار خبری نیست کمبود مواد اولیه است و نبود ارز . بعضی از قسمت‌ها کارشان بطور کل خوابیده و یا کم شده است . در بعضی کارخانجات اقدام به بازخرید کردن کارگران کرده‌اند . نظیر ایران ناسیونال و لیلاند . در کارخانه ماهمه نامه‌ای برای بازخریدی آمده ولی فعلا کسی استقبال نمی‌کند چون چیزی عاید طرف نمیشود . خلاصه فردای کار برای همگان نامعلوم است . گرانی و تورم هم مزید علت است . گرانی واقعا بیداد میکند . بسیاری چیزها تقریباً کوپنی شده و فقط مانده نان . بد نیست به قیمت بعضی اجناس توجه کنی : روغن ۵ کیلویشی حلبی ۸۰۰۰ ریال . کره گوسفندی کیلویشی ۳۵۰۰ ریال ، پنیر کیلویشی ۱۲۰۰ ریال ، گوشت ۱۸۰۰ ریال (کیلویشی) ، گوشت مرغ کیلویشی ۸۰۰ ریال ، شیشه متری ۶۰۰۰ ریال ، خودکار بیک ناکابل ۲۰۰ ریال ، دفترچه چهل برگی ۲۰۰ ریال . خلاصه بازار آزاد همه اجناس گرم است . لامپ ۵۰۰ ولتی ۵۰۰ تومان (هرولتی یک تومان) . سکه بهار آزادی ۸۰۰۰۰۰ . سکه طلا ظرف سه ماه از ۵۰۰۰۰۰ ریال به ۸۰۰۰۰۰ ریال رسید هاست . باز هم بگو کامیابی بد شغلی است . حالا از قیمت پوشاک و کفش و کلاه و اجناس منزل چیزی نمیگویم چون به ما مربوط نیست .....

اشعار و فولکلور نزد خلق های ایران همواره یکی از اشکال بیان خواست ها ، احساسات و اعتراضاتشان علیه مظلوم زمان بوده است . خلق ترک ، در این زمینه دارای فرهنگ غنی است . اشعار و فولکلور سنگ خلق ترک که معمولا با مضامین اعتراضی و علیه ستمگری های حاکمین وقت سرود شده است گاه چنان ساد و وطن پرانه است که به راحتی به سرعت بر سر زبان مردم کوچک و بزرگ می یابد . قطعه زیر یک نمونه از این نوع اشعار وطن پرانه است که اخیرا در میان مردم آذربایجان پخش شده و کوچک و بزرگ آنرا زیر لب زمزمه می کنند .

### نی نیسن ؟

چرشاب اولوب اوش مین تومن ، سن بو حجابی نی نیسن ؟  
 خود کار بیک این بیش تومن سن بوسوادی نی نیسن ؟  
 اشک ائی . ۲۰ تومن کوفته کبابی نی نیسن ؟  
 نفت گالونی . ۵ تومن گوند حما می نی نیسن ؟  
 قوری سوت . ۲۰ تومن قیزیم اوشاقی نی نیسن ؟  
 بنزین لیتری ۱۵ تومن بنزسواری نی نیسن ؟  
 د اش کلمی چکد یشوه آلمان کلابی نی نیسن ؟  
 سن کی اوزون فشارد اسان میوه فشاری نی نیسن ؟  
 سن کی امامی گور میسن نایب امامی نی نیسن ؟  
 سن کی باشی بلالی سن کرب بلانی نی نیسن ؟

### میخواهی چه کنی ؟

چاد روشکی . ۳۰۰ تومان ، د یگر حجاب را میخواهی چه کنی ؟  
 خود کار بیک ۱۵ تومان ، سواد را میخواهی چه کنی ؟  
 گوشت خر . ۲۰۰ تومان شده ، کوفته کباب را میخواهی چه کنی ؟  
 یک گالون نفت . ۵ تومان ، هر روز حمام را میخواهی چه کنی ؟  
 شیر خشک . ۲۰۰ تومان ، د ختر چه را میخواهی چه کنی ؟  
 بنزین لیتری ۱۵ تومان ، بنزسواری را میخواهی چه کنی ؟  
 کلم سنگی را بکن بهد ند انت ، سیب و گلابی را میخواهی چه کنی ؟  
 توکه خودت تحت فشاری ، میوه فشاری ( آمپوه گیری ) را میخواهی چه کنی ؟  
 توکه امام پرانی بینی ، نایب امام را میخواهی چه کنی ؟  
 توکه سرت بلانی ( د روز بلا بر سرت می بارد ) کرب و بلا را میخواهی چه کنی ؟

## گزارش کوتاهی از اعتراض پناهندگان علیه استرداد دانمارک

بد نیال تغییر قانون پناهندگی در دانمارک، پلیس این کشور چند نفر متقاضی پناهندگی را دیپورت نمود. متقاضیان پناهندگی کشتی "توانا" که بالغ برد ویست نفر ایرانی در آن مستقر بودند با انتخاب پنج نفر نماینده، شورای موقتی را تشکیل دادند. شورا با صدور اطلاعیه‌ای برای روز دوشنبه ۲۰/۱۱/۸۶ یک راهپیمایی ترتیب داد. انجمن ایرانیان متعلق به توده‌های، اکثریتی هانیز با صدور یک اطلاعیه از راهپیمایی شورا حمایت کرد. سایر نیروهای سیاسی ایرانی (راه‌کارگر، کومله، وحدت کمونیستها، اقلیت و هم استراتژی هم تاکتیک) نیز طی نشست سه‌ساعته تصمیم گرفتند که جهت حمایت از راهپیمایی متقاضیان پناهندگی اطلاعیه‌ای بدهند. ولی بعد از گفتگوی زیاد روی مضامین اطلاعیه توافق نشد و در نتیجه راه‌کارگر، کومله و وحدت کمونیستها طی نشست جداگانه با صدور اعلامیه‌ای ضمن محکوم کردن دولت دانمارک حمایت خودشان را از حرکت‌های اعتراضی پناهندگان اعلام داشتند و در روز راهپیمایی نیز شرکت نمودند.

طی عدم توافق نیروهای سیاسی ایرانی این بود که اقلیت تأکید میکرد که شورا در دست توده‌های هاست و نباید از شورا و حتی حرکت‌های اعتراضی پناهندگان حمایت کرد. و از این گذشته اگر اطلاعیه‌ای نیز از طرف ما (نیروهای سیاسی ایرانی) صادر شود باید حزب توده و اکثریت‌ها (هرد و جناح) نیز در اطلاعیه محکوم بشوند. و چون از نظر ما ضرورتی برای طرح محکومیت توده‌های در اطلاعیه نبود صف خودمان را از جناح توکل جدا کردیم.

### ترکیب شورا

نمایندگان شورا کاملاً در شرایط مکرراتیک، توسط متقاضیان پناهندگی انتخاب شده بودند. شورا پنج نفر عضو داشت که سخنگوی آن از وابسته‌های سابق مجاهدین خلق بود و روابطش نیز با ماجسنه و گرم است. افراد دیگر شورا به ترتیب زیرند:

۱- یک نفر سلطنت طلب - سن حدود ۵۰ سال

۲- یک نفر بی‌خط - غیر سیاسی

۳- دو نفر دیگر که ادعا میکردند از هیچ جریانی نیستند ولی به احتمال قوی توده‌ای یا اکثریتی بودند. (راه‌کارگر، وحدت کمونیستی و کومله) طی یک نامه رسمی به شورا و با انتخاب یک نفر نماینده از طرف نیروهای فوق‌الذکر آمادگی خودمان را برای همکاری (تایپ، ترجمه، چاپ و...) با شورا اعلام نمودیم. نماینده نیروهای فوق‌الذکر روابطش را با سخنگوی شورا هنوز هم حفظ کرده و تا بحال از این کانال همکاری‌هایی صورت گرفته است.

دانمارک - احمد

# گزارشی از کانن ایرانیان لندن

۱۲ نوامبر ۱۹۸۶

کانن ایرانیان لندن در ماه سپتامبر ۱۹۸۴ به عنوان سازمان خیریه د مکراتیک به ثبت رسید و اولین مجمع عمومی خود را در دسامبر ۱۹۸۴ برگزار کرد. طبق اساسنامه کانن، کانن سازمانی خیریه می باشد و هر ایرانی با هر مسلك و مرامی ( بالاتر از ۱۶ سال ) از زمان ورودش به لندن می تواند عضو کانن شود. کانن ابتدا زیر نظر GLC یا شورای بزرگ شهر لندن ( شهرداری ) اداره می شد ولی هم اکنون زیر نظر BRC که اداره مرکزی پناهندگان در انگلیس می باشد است.

اهداف کانن عمدتاً در جهت برآوردن نیازهای مادی ایرانیان مقیم لندن می باشد و وظائف خود را بیشتر حول آشنا کردن ایرانیان با حقوق فردی و اجتماعی و کوشش در راه تأمین و گسترش بخشیدن روزنده نگه داشتن فرهنگ ایرانیان قرار داده. در حال حاضر بیشتر فعالیت خود را روی کمک کردن به پناهندگان ایرانی متمرکز کرده و کلیه کارهای مربوط به این افراد را انجام می دهد و در این کار هم تا بحال بسیار موفق بوده است. در کنار آن روزهای عید نوروز، روز جهانی زن و روزهای مشابه روزهای دیگر شده برنامه ترتیب می دهد. هم چنین گاها کلاسهای چون کلاس فارسی، کلاس ادبیات فارسی و کلاس برنامه ریزی کامپیوتر و تئاتر برای ایرانیان تشکیل می دهد.

## سازمان داخلی کانن -

کانن در حال حاضر ۵ کارمند تمام وقت و ۱۶ کارمند نیمه وقت دارد که حقوق آنها از BRC تأمین میشود. هیئت مدیره کانن از ۹ عضو اصلی و ۲ عضوی البدل تشکیل شده است که بیشترین اختیارات را طبق اساسنامه کانن دارند و هر ساله با رأی اکثریت اعضای کانن که حدود ۵۰ نفر هستند در مجمع عمومی انتخاب می شوند، ۳ بازرس بر کار هیئت مدیره نظارت دارد. اعضای هیئت مدیره و بازرسان به مدت یک سال انتخاب می شوند. سازمان کانن به کمیته های مختلف تقسیم شده است؛ ۱- کمیته اداری ۲- کمیته زنان ۳- کمیته فرهنگی ۴- کمیته انتشارات (کانن علاوه بر انتشار ۲ نشریه، ۱- گاهنامه کانسون (از ماه جولای ۸۶ مسئولش من هستم و آخرین شماره آن همراه گزارش ارسال می گردد) ۲- خبرنگار نامه زنان ۳- دیگر نشریات که بیشتر ترجمه جزوه هائی است که مربوط به حقوق پناهندگان در انگلستان می باشد) منتشر می سازد.

بودجه کانن از طرف مرکز سازمان های خیریه د ولت انگلستان تأمین می شود. کارمندان کانن عمدتاً از بریدگان سازمان های چپ سیاسی موجود می باشند. ۵۰ نفر عضو کانن اکثر اوقات از ان سازمان های سیاسی هستند؛ از حزب توده تا اقلیت توکل. جریان مجمع عمومی کانن و انتخاب هیئت مدیره

کانن ایرانیان هر ساله یک مجمع عمومی ترتیب می دهد. در این مجمع عمومی هیئت مدیره و کارمندان کانن موظفند گزارش سالیانه کار خود را ارائه دهند هم چنین در این مجمع عمومی هیئت مدیره جدید انتخاب می شود. در دسامبر سال گذشته ۱۹۸۵ در بین مجمع عمومی برای انتخاب هیئت مدیره کانن بود. حزب تود مباحث بسیار موزیانه خود توانست با کاندید کردن افراد ناشناس و وابسته به خود شانس

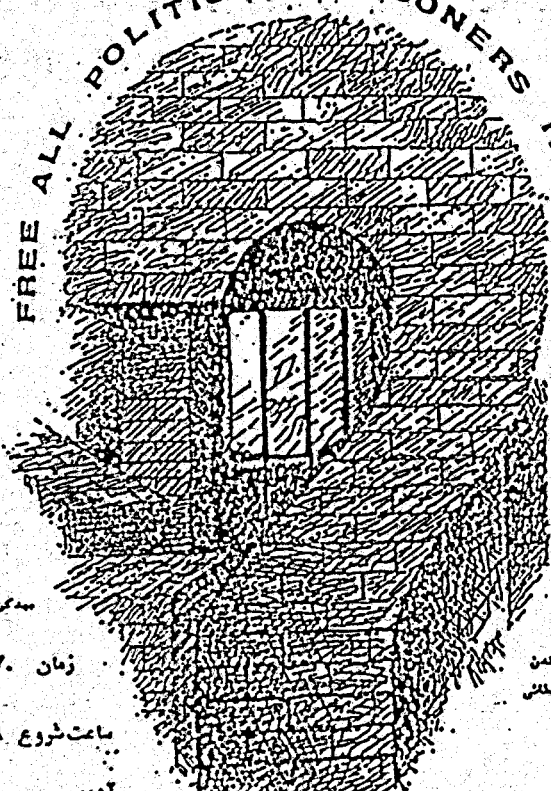
عنوان هیئت مدیره اکثریت آراء را بدست آورد. البته اقلیت توکل آن موقع در خواب بود و حتی در مجمع عمومی یک نفرشان هم شرکت نکرد. بعد از این هم که از خواب بیدار شد بجای آنکه از خودشان انتقاد کند شروع کرد به تهمت و تاسزای به این و آن سازمان سیاسی و حتی ما را متهم کرد با حزب توده ائتلاف مخفیانه کرده ایم. مجمع عمومی و هیئت مدیره فوق به بهانه اینکه یکی از کارمندان توده های مخفی کانون جزو انتخاب شدگان است و کارمند آن نمی تواند جزو هیئت مدیره باشند، منحل اعلام شد و انتخابات به بعد یعنی ماه مارچ موکول شد. در دومین انتخابات نیز اقلیت از خواب بیدار شده هراسان و برای جبران خطای گذشته خود با بسیج نیرو از اسکاگند و منچستر و خلاصه همه شهرها و ائتلاف با صدای دانشجوی ۱ (جس داری) و اتحادیه کمونیستها توانست اکثریت آراء را بدست آورده و در نتیجه هیئت مدیره جدید همه پارای اقلیت توکل بود. جالب اینجاست که هواداران این سه نیرو با وجود اینکه سالهاست در انگلستان زندگی می کنند و از وجود کانون هم باخبر بودند یک روز قبل از انتخابات عضو کانون شده بودند. ۱۰ ماه هیئت مدیره جدید توکلی با همه زرنگی خود یک اشتباه کرد و آنهم دادن اسم و آدرس تشکیلاتی به BRG بود و این بهانه های بدست کانون داد که بتواند بصورت قانونی انتخابات دوم را به بهانه اینکه این اسمها حقیقی نیست منحل اعلام کند. در هر حال سومین انتخابات کانون که محتما سرنوشته هیئت مدیره و کانون در آن تعیین خواهد شد در ۱۱ ژانویه سال ۱۹۸۷ برگزار خواهد شد. از میان تمام سازمان های سیاسی موجود تنها اقلیت توکل خودش را برای هیئت مدیره کاندید کرده و چشم انداز این است که این بار موفق شود. ولی اینکه سرنوشته خود کانون با ورود این خشک مغزان در سمت هیئت مدیره چه خواهد شد معلوم نیست. چرا که روشن است کانون با ورود توکلی ها تبدیل به کانون توکلی ها در لندن می شود و در نتیجه تنها برای هواداران خود حاضر است خدمات انجام دهد. در هر حال بزودی نتیجه معلوم می شود.

به امید پیروزی  
مریم (لندن)

# شب هفتگی

## بازندانان سیاسی در ایران

FREE ALL POLITICAL PRISONERS IN IRAN



شعرخوانی:

اسماعیل گلشن - اسد ابراهیمی

برج چش مصلح

نشانی:

کامریه از کارگاه انتشار کانون ایرانیان لندن

به جای کردهای برج چش مصلح

زانه خوانی:

عسری حسینی

فیلم:

هنر و نه نگار کردهای پسا و گونی

اصلائی



بده کردهای فراهم است

30 NOV. زمان

4.30 PM ساعت شروع

آدرس

ST LUKE'S CHURCH HALL

ADRAIN MEWS,

1 FIELD ROAD

LONDON SW 10

WEST BROMPTON

BUS 31

The action committee in defence of political prisoners in Iran --- London

BM 9876

LONDON

WC1N 3XX

شرح: با استفاده از کتاب: آزادیان گمشده

جمهوری اسلامی از همان ابتدای بقدرت رسیدن نریتلا تراژدیهای غریب برای باز پس گسترش  
تمامی دستاوردهای مبارزات کرده ها را آغاز نمود. یکی از این دستاوردها آزادی زندانیان سیاسی  
بود که بدست توانایان کرده های زحمتکش از زندانهای رژیم پهلوی آزاد شده بودند. اما طولی  
نکشید که رژیم جمهوری اسلامی نه تنها زندانهای سابق را از زندانیان سیاسی پر کرد بلکه زندانهای  
جدیدی نیز بر آنها افزود و شرایطی بی مراتب بدتر از سابق در زندانها ایجاد نمود. اینک زندانیان  
سیاسی در ایران حتی از اولیه ترین حقوق یک زندانی برخوردار نیستند. محاکمه های چند دقیقه ای  
سری بدون داشتن وکیل مدافع و بدون حضور هیئت منصفه و بدون حق فرجام خواهی و بر اساس  
قوانین به یادگار مانده از وحشیگری های چادر نشینان هزاره های قبل امتیاز کننده سرزنش  
زندانیان سیاسی ایرانی است. تنها حکمی که بلا فاصله و بدون چون و چرا اجرا میشود حکم اعدام  
است. بقیه احکام از قبیل حبس ابد و یا حبس های طولانی مدت و کوتاه مدت چندان اعتباری ندارند  
زیرا هر زندانی در زندانهای ایران هر لحظه در معرض خطر اعدام حتی بدون محاکمه های مکرر  
و فرمایشی و یا مرگ در زیر شکنجه های وحشیانه قرار دارد. زندانیانی که دوره های محکومیتشان  
بپایان میرسد، آزاد نمی گردند و مدت ها پس از آن نیز در زندان باقی میمانند و در بسیاری موارد  
مجدداً محاکمه شده و محکومیت های جدیدی را متحمل میشوند. تعداد زیادی از زندانیان بدون  
هیچگونه اتهام مشخص و یا مدرکی مدتها در زندان باقی میمانند. اتهام برخی از زندانیان صرفاً  
داشتن چند برگ اعلامیه یا نشریه و یا صرفاً شرکت در اعتصابات کاری است. اکثر زندانیان را نوب  
جوانان و جوانان کم سن و سال تشکیل میدهند. در اکثر زندانها تعداد زندانیان چندین  
برابر ظرفیت معمولی این زندانهاست بطوریکه در هر سلول و یا اتاق آنقدر زندانی وجود دارد که  
همه نمی توانند با هم بخوابند و در حالیکه نمی خوابیده اند نمی دیگر باید در انتظار نوبت بایستند.  
در چنین اوضاعی وضع بهداشتی فوق العاده نامناسب است. اغلب زندانیان دچار بیماریهای مزمن  
و عطرناک میشوند. و اهمیت تغذیه فوق العاده خراب است. زندانیان حق هیچگونه حرکت جمعی از  
قبیل سرود خواندن و یا ورزش را ندارند. سرود خواندن و یا ورزش حتی به شکل انفرادی اش نیز  
ممنوع است و عقاب خطرناکی را بدین تالی می آورد. در میان زندانیان جاسوسان و توپین تمام  
حرکات زندانیان را زیر نظر دارند و به مقامات زندان گزارش میکنند. خواندن نواز و گرفتن روزه و سایر  
اعمال روانفرسای مذهبی اجباری است. هیچگونه کتابی در اختیار زندانیان قرار نمی گیرد مگر کتابهای  
مذهبی که سرشار از اندیشه های ارتجاعی و واپس مانده اند و خواندن آنها بخصوص در زندان چیزی  
بدترین شکنجه های روانی بشمار میرود. در مقابل فقدان هر گونه امکانات رفاهی و بهداشتی و فرهنگی  
همه گونه وسایل اسباب فشار روانی و جسمانی در زندان فراهم است. زندانیان و بخصوص زندانیان  
دختر و زن مورد شدیدترین تحقیرها و شنیع ترین تهمت ها قرار میگیرند. اعدامهای ناپسند و ساختگی



برای مرد کردن روحیه زندانیان در مورد بسیاری از آنان بکار گرفته میشود. تعداد کسانی که تنها کتون زیر شکنجه ها جان داده اند از شمارش خارج است. آثار شکنجه های وحشیانه روی اغلب اجساد که به سردخانه ها تحویل داده میشوند، به چشم میخورد که در بسیاری از موارد به صورت قطع دست و پهای زندانیان بوده است.

ارائه يك تصویر کامل از اوضاع زندانیان رژیم و وضعیت زندانیان سیاسی در يك اعلامیه کوتاه به هیچ وجه امکان پذیر نیستو آنچه که گفته شد صرفاً گوشه هایی از واقعیت موجود می باشند ولی همین قدر کافی است تا ضرورت مبارزه بپیکر کلیه تیروها و شخصیت های انقلابی و شرقی و همه انسانهای آزادیخواه را بر علیه این وضعیت گوشزد نماید. این درست است که رهائی کلیه زندانیان سیاسی تنها از طریق اوجگیری جنبش انقلابی در داخل کشور امکان پذیر خواهد بود اما دانشجویان پناهندگان و بطور کلی کاتبه ایرانیان متبیم خارج از کشور وظیفه دارند که مبارزه سازمان یافته و بپیکری را برای افشای جنایات رژیم و شناساندن وضعیت زندانیان سیاسی ایرانی در نزد افکار عمومی بین المللی دنبال نمایند. در این مورد تا کتون متأسفانه اقدامات بپیکر و سازمان یافته ای صورت نگرفته است و حتی در مقایسه با اقداماتی که در زمان رژیم سابق صورت میگرفت کمتر به این وظیفه پرداخته شده است. از این رو ما تصمیم به برگزاری شب همبستگی با زندانیان سیاسی ایرانی را گرفتیم به این امید که زمینه و مقدمه ای برای اقدامات سازمان یافته تر و موثر تر در راه دفاع از زندانیان سیاسی فراهم گردد. (۱)

بار دیگر باسلام به آزادی و اعتماد به آزادی انسانها در تعین سرنوشت خویش، کمیته موقت دفاع از زندانیان سیاسی ایران حمایت خود را از مقاومت زندانیان سیاسی در ایران اعلام میدارد. از زندانیانی که در راه آزادی توده های محروم در زندانهای شاه ساخته رژیم قرون وسطایی جمهوری اسلامی ایران اسیر گردیده اند، از زندانیانی که سخت ترین شکنجه ها با عزمی بپیکر به مبارزات خود در درون زندانهای ایران ادامه میدهند، از زندانیانی که بخاطر گفتن حقیقت به جنایتکارهای رژیم در بند اسارت اند، از زندانیانی که ...

ما معتقدیم که دفاع از زندانیان سیاسی تنها به محکوم کردن سیاستهای ارتجاعی رژیم جمهوری اسلامی خلاصه نمی شود. این کمیته معتقد است اعتقاد به داشتن زندانی سیاسی بلحاظ فکری مردود است، لذا آنها بعنوان يك اصل اعتقادی در هر شرایط و موقعیتی محکوم ساخته و کلیه بازتابهای آنرا در جامعه بهر شکل و نوع از قبیل شکار ساروین، همکاری در به زندان افکندن آنها و شکنجه نمودن این انسانها که برای آزادی زمستان بارزه می نمایند محکوم نموده و نفرت و انزجار خود را در این مورد اعلام می دارد.

ما بهیچوجه ترجیحات و رسوائی آورحامیان رنگارنگ رژیم را که در مقاطع مختلف و بهمناسبت های

(۱) به نقل از: کمیته برگزارکننده شب همبستگی با زندانیان

سیاسی - تهران غربی

خطبه ایران که دیده می شود نشانده ایمان دارد که چنانچه این نوع تفکر در گردن باد تاریخ بقدرت  
ولتی دست باید نسخه ای مشابه جمهوری اسلامی خرامند بود.

تحت موقت دفاع اردن دانیان ساسی ایران ، از کلبه آزادگان ایرانی می خواهد که به منظور  
سایت از رندانان سیاسی در ایران از طریق انشای رژیم منظور جمهوری اسلامی و ایشاء و طرد  
نامیان و نگارنگ قسیم و جیدش ما را در این مهم یاری رسانند .

کمیته موقت دفاع  
از رندانان سیاسی در ایران

شومبر ۸۶

زندانهای سیاسی آزاد باید گردند

BM 9575

LONDON

WC1N 3Y\*

## میتینگ ضد فاشیستی (هانوفر)

نیروهای چپ آلمانی از هنگان دعوت کرده بودند برای ۱۶ نوامبر (۲۵ آبان ۶۵) برای شرکت در یک میتینگ ضد فاشیستی در شهر ریدرز نزدیک یکی هانوفر بنام اسل (ESSEL) تجمع کنند. علت دعوت به چنین میتینگی آن بود که فاشیست ها و نئوناشیست ها بعد از چند سال بخود جرأت داده، تصمیم گرفته بودند به گورستان نازیهای زمان جنگ در این شهر رفته دسته گل نثار آن کنند و یادشان را گرامی بدارند. ساعت حرکت را از هانوفر ۹ صبح در محل معینی تعیین کردند تا از آنجا توسط اتومبیل های شخصی به شهر مزبور رفته و پس از برگزاری میتینگ به هانوفر بازگردند. ساعت ۹/۳۰ از هانوفر حرکت کردیم و ساعت ۱ بعد از ظهر همه اتومبیل هاد رسیابانی، کناریا، رستوران پارک کردند و حدود ۷ وکیلومتر راه را در میان بیابان بسوی گورستان، پیاده طی کردیم. وقتی به نزدیکی گورستان رسیدیم، حدود ۸۰۰ نفر بودیم، اما پیش از این تعداد پلیس با ماسک، محل را محاصره کرده بودند. و کاملاً آماده درگیری بودند. نیروهای شرکت کننده عمدتاً آلمانی و بعضاً خارجی ۱۸ نفر ایرانی بودند کهسه نفر از آنها را خانمها تشکیل میدادند، و اکثر ایرانیها عضو کانون پناهندگان سیاسی بودند. تعداد زیادی از حاضرین چهره خود را پوشانده بودند تا شناخته نشوند.

جمعیت تلاش کرد به گورستان نزدیک شود، اما پلیس از ورود آنها ممانعت به عمل آورد، که بیسن مردم و پلیس درگیری بوجود آمد. این درگیری دو بار رخ داد و با اینکه اتومبیل های حامل جمعیت در بین راه مورد بازرسی کامل قرار گرفته بودند، معهداً بسیاری از حاضرین سلاحهای سرد به همراه داشتند، که با آن به پلیس حمله می بردند. در طی درگیری چند تن از جمعیت زخمی گردیدند که توسط آمبولانس های حاضر در محل برده شدند. در حمله پلیس به جمعیت، یکبار مردم متفرق شده و سعی کردند خارج از محل محاصره شده توسط پلیس به گورستان نزدیک شوند، که با هشدار آلمانیهای دیگر که میگفتند مواظب باشید پلیس شما را تنها گیر نیارد. به انبوه جمعیت بازگشتند و بطور یکپارچه به پلیس فشار آوردند. اما پلیس خیلی جدی از محل گورستان مراقبت می کرد و هیچوجه اجازه ورود به جمعیت نمیداد. یکبار هم جمعیت پلیسها را محاصره کرد، ولی بعجلت حضور تعداد زیاد پلیس موفق نشدند محاصره پلیس را بشکنند. این وضع تا ساعت ۵ بعد از ظهر ادامه داشت. در طی این مدت شعارهای مختلفی علیه فاشیسم داده شد و گروههای آلمانی شرکت کننده قطعنامه های خود را قرائت کردند که در آنها فاشیسم را محکوم کرده و احیای مجدد آن را تهدیدی جدی برای آلمانیها و جهانیان قلمداد نموده بودند. چند نفر فاشیست قاطی جمعیت شده بودند که توسط مردم شناسائی شده و پس از خوردن کبکی مفصل از جمعیت خارج شدند. تعدادی هم پلیس مخفی بین جمعیت بودند که پس از پایان تظاهرات جدا شدند. آلمانیهای تظاهرکننده از ما ایرانیها پرسیدند که: شما نمی ترسید که علیه فاشیستها به میتینگ آمده اید؟ ما گفتیم که وقتی ما از خمینی و پاسداران او - که حتی از فاشیستها بدتر از مردم برخوردار می کنند - ترسی نداشته و نداریم، از اینها هم نمی ترسیم. که این موضوع برای آنها جالب می نمود و به یکدیگر میگفتند که اینها ایرانی هستند. به هنگام بازگشت دست جمعی برای آلمانیها چند سرود انقلابی ایرانی خواندیم که مورد استقبال آنها قرار گرفت.

## ۱۰ ماه برای حقوق پناهندگی

به ابتکار کمیسیون دائمی برای دفاع از حقوق پناهندگی، از ژانویه ۱۹۸۶، يك کامپاین (مجموعه فعالیت) برای دفاع از حقوق پناهندگی آغاز شد و تا ۱۸ و ۱۹ اکتبر که طی در روز جلسه عمومی کلیشه فعالیت‌ها ارزیابی می‌شد و گزارش نهائی تدوین می‌گردد، ادامه یافت. این "کمیسیون" که بطور دائمی فعالیت می‌کند، متشکل از بیش از ۳۰ انجمن فرانسوی و خارجی است که بنوعی از پناهندگان و حقوق پناهندگی دفاع میکنند. در فراخوان ۱۰ ماه فعالیت، طبیعتاً تمام اعضا کمیسیون شرکت داشتند و علاوه تعدادی انجمن‌ها و سازمان‌های دیگر که مایل بودند در این فعالیت‌ها سهمی باشند، تعداد امضا کنندگان فراخوان، در پایان دوره ۱۰ ماهه به ۱۷۷ رسیده بود.

### فعالیت‌های ۱۰ ماهه :

این فعالیت‌ها عمدتاً در شهرستانهای فرانسه (و کمتر در ریاریس)، با همکاری امضا کنندگان و علاقه‌مندان انجام شد. این فعالیت‌ها شامل دبخش "تبلیغی" و "ارزیابی از وضعیت" بود. در بخش تبلیغاتی، برگزاری نمایشگاه عکس، جلسات بحث و گفتگو، جشن‌های هنری، توزیع تراکت‌ها، انتشار و توزیع آفیش و ... از جمله فعالیت‌هایی بود که متناسب با هر شهرستان سازماندهی شد. این بخش، با هدف آگاه‌گری فرانسویان و کمک به پناهندگان، با توجه به جو عمومی حاکم بر فرانسه، تا حدود زیادی موفقیت‌آمیز بود و قادر شد در بسیاری موارد، همبستگی فرانسویانی را که با امور پناهندگی و پناهنده بیگانه بودند را جلب کند. بخش "ارزیابی از وضعیت" و ارائه پیشنهاداتی در راستای حل مشکلات، در خلال بخش اول و عمدتاً با استناد به مطالب جلسات "بحث و گفتگو" تنظیم شد. این بخش، از آن جایی که عمدتاً به نیروی متخصص نیازمند بود و این نیرو با همکاری سازمان‌های امضا کنند، به راحتی فراهم می‌شد، به مراتب موفق‌تر از بخش اول بود. هدف کنگره گونه روزهای ۱۸ و ۱۹ اکتبر، ارزیابی بخش دوم و فرموله کردن پیشنهادات بود.

### روزهای ۱۸ و ۱۹ اکتبر

این جلسه، همان‌طور که پیش‌بینی شده بود، در روز تمام (شنبه و یکشنبه) بطول انجامید که شرایط زیر را شامل می‌شد:

- محل برگزاری جلسه : ساختمان یونسکو (با امکانات بسیار پیشرفته و عالی)
- تعداد شرکت کنندگان : حدود ۴۰۰ نفر
- ترکیب شرکت کنندگان : غالباً روسا و صاحب منصبان ارگان‌های ذیربط (غیر دولتی) - اکثریت بالائی فرانسوی - نماینده کمیساری عالی پناهندگی سازمان ملل در فرانسه - نماینده هیئت‌های بلژیکی - نمایندگان ارگان‌های کسب و شهرستانهای فرانسه - فترارند - نماینده خانم میتران (رئیس جمهور فرانسه) - نماینده مسجد پاریس - نماینده حزب سوسیالیست - نماینده بخش‌هایی از سندیکا های C.F.O.T و C.G.T. - چند تن از

کارمندان OEFPPA (اداره رسیدگی برای قبول یارد پناهندگی) - روسا  
یا نمایندگان سازمان‌های امضا کنند از قبیل CIMADE، حقوق بشر، امنستی  
انترناسیونال، فرانس ترد ازیل (فرانسه سرزمین پناهندگان) سند یکسای  
قضاات فرانسه، سند یکای وکلای فرانسه و ۰۰۰ - چند کمیته سازمان  
کشورهای عربی (آفریقای شمالی) - یک یاد و نفا را آمریکا لاتین - د و یاسه  
نفر ترک و کرد ۰۰۰ و ۱۰ نفر ایرانی .

۱۱۰ ایرانی عبارت بودند از : یک بهائی - د و نفر نمایندگان حقوق بشر ایران (در تبعید) (لاهیجی و  
یکی از همکارانش) - آقای متین د فتری (ظاهرا از جانب کمیته وکلای  
ایران - آقای پاکدامن (ظاهرا از جانب کانون نویسندگان "در تبعید") -  
نماینده "بولتن پناهندگان ایرانی" (بولتنی است که اخیرا عمدتاً توسط  
هواداران حزب کمونیست کومله و برخی از هواداران سابق پیکار منتشر میشود)  
- د و نفر به نمایندگی "کمیته زنان ایرانی" - نماینده انجمن همبستگی -  
نماینده سازمان کارگران انقلابی ایران (راه کارگر) کمیته خارج .

د رطی برگزار می‌گردد، قادیان که با هماهنگی کردن حرکت بین ایرانیان (بجز سه نفر اول) بخش  
هائی از بحث را به ایران و ایرانیان اختصاص دهد .

#### مضمون جلسه د و روزه

جلسه د، با پیام یونسکو که توسط مسئول "کمیسیون پناهندگی" یونسکو قرائت شد، آغاز گردید و  
سپس آقای JOUFFA (رئیس و مسئول حقوق بشر) با تشکر از شرکت کنندگان به پیام‌های رسید هاشا را مکرر و از آن  
جمله پیام فرانسوا میتران (رئیس جمهور فرانسه) را قرائت کرد . وی در پیام خود، ضمن تشکر از دعوتی که از او  
برای شرکت در جلسه شده بود، عذرخواهی کرده که بعد لیل مشغله زیاد و دناشتن وقت کافی، قادر به  
شرکت در جلسه نیست ! (البته همبستگی کامل خود را با جلسه اعلام کرده بود و آرزوی موفقیت نیز نمود .  
سپس آقای TUBIANA (حقوقدان، وکیل دادگستری، مسئول برگزاری این "کمیسیون" از جانب  
"کمیسیون دائمی برای دفاع از حقوق پناهندگی") به توضیح وضعیت پناهندگان در فرانسه پرداخت و به  
فعالیت‌های این دوره اشاره ای کرد .

پس از این توضیحات و صحبت‌های کوتاه حضار، جمع کار خود را در سه کمیسیون متفاوت با عناوین  
۱- کمیسیون A: حقوق بشر، حق پناهندگی و پناهندگی - حق پناهندگی و روابط بین المللی - عملکرد  
کنونی در فرانسه - ۲- کمیسیون B: پذیرش و ورود به جامعه مقاضی پناهندگی و پناهند ه در فرانسه  
۳- کمیسیون C: رابطه بین فرانسویان و پناهندگان، ادامه داد .  
در طول مدت نهاره ما، "هیئت ایرانی"، در میان خود تقسیم کار کردیم و به هر فرد، مسئولیت  
شرکت در یکی از کمیسیون‌ها را دادیم . به این ترتیب موفق شدیم که حضور ایرانیان در تمام مباحث را برجسته  
کنیم و بخشی از صحبت‌ها را به بحث راجع به وضعیت ایرانیان اختصاص دهیم .

کمیسیون A عدتاً به چگونگی بررسی پذیرش یا عدم پذیرش پناهندگی در OEPRA و "کمیسیون ارجاع"، مسئله استرداد و اخراج پناهنده یا متقاضی پناهندگی، عدم امکان گردآوری مدارک کافی از جانب متقاضی پناهندگی، شناختن یا عدم شناختن پناهندگی برای کسانی که از جنگ فرار می‌کنند (مورد ایرانیان) و نیز گروه‌های اجتماعی (مانند زنان ایرانی) و ... پرداخت.

د ر کمیسیون B، بحث‌های فرموله شده و جمع‌بندی شده از جانب "اکیب‌های کاری" که از قبیل تعیین شده بودند، ارائه شد. بخش بسیار اعظم بحث، صرف مسئله بهداشت و سلامت متقاضیان پناهندگی و پناهندگان شد و تسریع گردید که می‌بایست متقاضیان پناهندگی بتوانند از بد و ورود از امکان در مان رایگان و بیمه اجتماعی استفاده کنند.

کمیسیون C نسبت به د کمیسیون د یگر کمی جنجال برانگیز بود. این جنجال زمانی آغاز گردید که یکی از نمایندگان (فرانس ترد ازیل) Franc terre d'asil عنوان کرد که خیلی از پناهندگان، بیش از آن چیزی که در کشورشان داشته‌اند می‌خواهند و نیز اینکه به برخی از پناهندگان حتی اگر امکانات بسیار خوب، تخت و ... نیزید هیم، می‌بینیم که آنها روی زمین می‌خوابند. علاوه بر این فرد مثال مصاحبه با یک خانم پناهنده ایرانی را میزد که گفته: "من خجالت می‌کشم که از قصابی خرید کنم، زیرا نام گوشت‌های متفاوت را به زبان فرانسه نمی‌دانم و مجبورم با انگشت نشان دهم و مورد تمسخر قصاب قرار می‌گیرم". وی از این مثال نتیجه می‌گرفت که خود پناهندگان، باید از خود تحرك نشان دهند و زبان بیاموزند! (این صحبت‌ها را شدیدا مورد انتقاد قرار دادیم که جانب سایر شرکت‌کنندگان نیز این انتقادات تأیید شد. هر چند که بعضی می‌خواستند ثابت کنند که آن فرد منظور بدی نداشته است ( )

### یكشنبه

- جلسه یكشنبه، به ارائه گزارش کار کمیسیون‌ها، بحث در مورد آن و ارائه گزارش نهایی اختصاص داشت. نخست سخنگوی کمیسیون A، گزارش کار کمیسیون خود را با تکیه بر موارد زیر ارائه کرد.
- از ۱۹۸۰، وضعیت پناهندگی در فرانسه تغییر کرد و سیر نزولی طی می‌کند.
  - آمار کسانی که پناهندگی‌شان قبول نشده بسیار بالا رفته است.
  - ایرانیان درخواست کردند که زنان و فراریان از جنگ (ایران) نیز بعنوان پناهنده پذیرفته شوند (این بحث را فرد کومله‌ای عنوان کرد. یکبار د ر کمیسیون و یکبار پس از ارائه گزارش این کمیسیون در "مجمع عمومی" و هر دو بار مورد مخالفت قرار گرفت. و این همه طیرقم توضیحاتی بود که به وی داد بودم (یکبار شافعی و یکبار کتبی) زیرا وی قادر نیست تحت هیچ شرایطی، "بررسی پرونده فردی" را نفی کند.) اما به نظر اکثریت حاضر د کمیسیون، تعریف پناهنده د ر کنوانسیون ژنو درست و کافی است.
  - OEPRA و "کمیسیون ارجاع" باید مستقل از دولت و وزارت کشور باشد.
  - طرح ایجاد یک "مرکز اسناد پناهندگان"
  - مصاحبه‌ها و نامه‌های پناهندگان، می‌بایست به زبان مادری آنان صورت گیرد.

- کمیسیون ارجاع ، ظرف کمتر از ۱۰ دقیقه در مورد سرنوشت يك فرد تصمیمی گیرد .
- باید مسئله عدم توانائی متقاضی پناهندگی در جمع آوری مدارک لازم ، در نظر گرفته شود .
- در مورد اخراج و استرداد ، می بایست مواد "کنوانسیون ژنو" و "معاهده نامه حقوق بشر" محترم شمرده شود .

سخنگوی کمیسیون B ، گزارش این کمیسیون را به این ترتیب ارائه داد .

- اکثریت پناهندگان از "معاینه پزشکی" محروم هستند .
- درمان رایگان می باید برای پناهندگان اجرا گردد .
- بسیاری از پناهندگان ، حتی هنگام ورود (بدون داشتن هیچگونه مدرکی) بیمار هستند ، نمی بایستد
- معالجه آنان را به بعد از انجام مراحل اداری (که گاه ماهها طول میکشد) محول کرد .
- باید مراکز "پذیرش اطفال" ایجاد شود . این اطفال میباید به زبان مادری خود ، از وضعیت و حقوق خود مطلع شوند .

- میباید به آموزش زبان فرانسه و ورود به جامعه ، توجه بیشتری کرد .

- نخستین پذیرش و تأمین امکانات اولیه (مسکن ، غذا و ... ) بسیار بد صورت می گیرد .

- مسکن برای پناهندگان ، همواره يك مشکل اساسی است .

- بیکاری در میان پناهندگان و ضرورت یافتن کار مناسب برای هر يك .

- سخنگوی کمیسیون B در گزارش خود ، به نکات زیر پرداخت .

- فراگیری زبان ، نخستین گام در جهت ایجاد رابطه با فرانسویان است .

- میبایست در میان فرانسویان يك سلسله کار توضیحی صورت گیرد .

- رابطه با فرانسویان ، بدون ورود به جامعه میسر نیست و ورود به جامعه ، مستلزم داشتن کار و مشارکت در حیات فعال آن است .

در انتها ، گزارش نهائی ، با استناد به گزارش های سه کمیسیون قرائت شد و جلسه کار خود را بجهت

پایان رساند . این گزارش نهائی در آینده نزدیک چاپ و توزیع خواهد گردید .

ملاحظات :

۱- فرد کومله ای (نماینده "بولتن پناهندگان" ) ، علیرغم نرمشی که در حرف از خود نشان میداد

در عمل کار خود را میکرد . بحث وی در مورد فراریات جنگ و زنان ایرانی که از پیش مسلم بود که مورد مخالفت قرار میگیرد (وی با کمی خجالت ، معتقد بود که هر کس که ملیت ایرانی دارد و جنسیت زن ، میبایست بعنوان پناهنده شناخته شود) باعث شد که ایرانیان بعنوان کسانی که "زیادی" میخواهند معرفی شوند .

۲- آقایان متیند فتری و پاکدامن ، با عنوان کردن اینکه "حرف مارا کسی نمیخواند" از بد اخلاصه

جدید رباحث پرهیز نمیکردند (البته آقای متیند فتری به زبان فرانسه هم تسلط ندارد)

پاریس نوامبر ۱۹۸۶ مجید

## هفته دانشجویان خارجی در هامبورگ

به پیشنهاد ASTA در هامبورگ قرار بر این شده بود که از ۸/۱۲/۸۱ یک هفته مراسم فرهنگی و سنتی توسط انجمن های مختلف دانشجویان خارجی در هامبورگ برقرار شود. هدف کلی از این آکسیون شکستن جو ضد خارجی یا حداقل ایجاد تفاهم بیشتر بین دانشجویان آلمانی و غیر آلمانی از یک طرف و خود دانشجویان خارجی از طرف دیگر بود. در اولین دعوت بمنظور بحث و گفتگو در خصوص چگونگی برگزاری این هفته، دانشجویان کشورهای ترکیه، یونان، شیلی، و ایران شرکت کردند. برای من این اولین تجربه بود و ناگفته نماند که تصمیم برای همکاری در برگزاری این هفته کمی مشکل بنظر میرسید. عنده ترین مسئله در همکاری با ASTA این بود که ASTA در هامبورگ بطور سنتی همواره توسط MSB، اسپار تاکوس هدایت و اداره میشود. MSB اسپار تاکوس سازمان دانشجویان کمونیست است که بطور کلی هوادار DKP هستند. MSB در گذشته همواره بهنگام بروز درگیری و اختلاف بین نیروهای انقلابی و سوسیال خائنین توده های اکثریتی جانب خائنین را گرفته، همینطور به تبع حزب DKP در خصوص مسائل ایران همواره همان موضع (توده های اکثریتی) را داشته است.

نیروهای خارجی فعال در هامبورگ نیز که با ASTA همکاری دارند، یا با اساسا موضعی نظری راجع به ایران ندارند و یا اینکه تنها حزب توده را میشناسند. در عین حال این تفکر بر فعالین سیاسی هامبورگ حاکم است که با ASTA اساسا نمیشود کار کرد. زیرا او تمام امکانات و وسائل خود را به توده ملیها میدهند و خواهد داد. هدف دیگر برای من این بود که ASTA را وارد تماس با سایرین نیز همکاری کند و معتقد بودم که این خود بچه های ایرانی هستند که بایکی انگاشتن DKP حزب توده از نزد یک شدن به MSB و ASTA برهیزر کرده بودند. البته به احتمال قوی در گذشته رفتار ASTA هم طوری بوده که کسی غیر از توده های هسا، نمیتوانست به آن نزد یک بشود. از طرف دیگر برایم تعجب آور بود که چطور از هواداران توده و اکثریت کسی در جلسه نبود. آیا این اشتباه ASTA بوده که به آنها خبر ندادند یا تنبلی خود آنها بوده برای ناروشن ماندن. به هر صورت در جلسه اول کمیته برای سازماندهی این هفته انتخاب شد، که من هم به عضویت آن درآمدم. در ونفر ایرانی دیگر هم در آنجا بودند که قول همکاری دادند. یکی از این دو نفر از دستداران سازمان است و دیگری یکی از دوستان او که اکثریتی میباشد ولی در عین حال راه کارگر را تأیید میکند.

پس از پایان جلسه ماسه نفری نشست. در خصوص این هفته بعد از آنکه پرداختیم. این که با نام سازمان در برگزاری این هفته شرکت کنیم ناممکن بود. زیرا ASTA یک واحد صنفی است و ظاهرا با احزاب ارتباطی ندارد. اگر میخواستم خود به تنهایی همه مسئولیت را به عهد بگیرم، با توجه به کمبود نیرو امکانپذیر نبود و سوما برای اینکه بتواند یک کارد موکراتیک کرد بایستی تاحد ممکن به سایرین هم خبر میدادیم. به هر صورت تصمیم ما بر این شد که به افراد غیر سازمانی و همینطور "کانون دفاع از حقوق پناهندگان و دانشجویان سیاسی" خبر دهیم و همکاری آنها را جلب کنیم. البته برای ماروشن بود که "کانون ۰۰۰" همکاری نخواهد کرد. زیرا: اولاً نیروی اصلی و فعال کانون توکلین هستند، دواماتونیست، خط ۳ها و به خصوص ضد شوروی ها در کانون دست بالا دارند. افراد پراکنده و غیر سازمانی، بخصوص رفقای



(اقلیت) که بطور کلی "شورای عالی سازمان" را تأیید میکنند، قبول همکاری دادند.

برنامه‌ای که من ریختم و بعد ها به تصویب ASTA هم رسید از این قرار بود:

۱- برقراری يك نمایشگاه عکس راجع به ایران ۲۰- گرد هم آئی (Veranstaltung).

اینك توضیح مختصری راجع به هر يك از این پیشنهاد:

۱- نمایشگاه: طرح من راجع به نمایشگاه به این صورت بود: الف- يك تصویر کلی از ایران ۰ ب-

ایران و انقلاب ۰۵۷ ج- زندانیان سیاسی ۰ د- کردستان ۰ ه- جنگ ارتجاعی ۰

دريك كلام بگویم که نمایشگاه عکس، و پوستر به این معنی نیست که عکسها را کنار هم چسباند، بلکه باید تئسی

ارتباط منطقی بین عکسها برقرار نمود بطوریکه يك تاریخ مرسوم تنظیم شود، همینطور عکسها باید تئسی

بندی شده و برخی نکات فنی هم رعایت شود. فرضاً طرحهای رفیق نقاش را دستبند کردیم، آن قسمت را

که در ارتباط با زندانی و اعدام بود کنار هم تنظیم کرده و با سایر عکسهای مرسوم (مثل اعدامهای خیابانی)

هماهنگ کردیم. بهر صورت نمایشگاه بمدت ۵ روز در یکی از سالنهای دانشگاهها مابورگ برقرار شد و در

طی هفته قریب به ۷۰۰-۸۰۰ نفر اعم از ایرانی و آلمانی از آن بازدید کردند و بسیار مؤثر افتاد. روز

دوم نمایشگاه به پیشنهاد یکی از دانشجویان یونانی شروع به جمع آوری امضاء از بازدید کنندگان علیه جنگ،

اعدام و شکنجه در ایران کردیم. البته بدین شکل که ورقهای روی میز گذاشتم و هر کس مایل بود آنرا

امضاء میکرد که بیش از صد امضاء جمع آوری شد. اگر جمع آوری امضاء یکی از اهداف نمایشگاه بود قطعاً

تعداد آن نمیتوانست خیلی زیاد باشد، ولی ما اینکار را بطور جانبی و بعنوان يك تجربه انجام دادیم.

طول نمایشگاه، بیش از ۲۵ متر شد و گاه بعضی از بازدید کنندگان قریب به یک ساعت به تماشا

مشغول میشدند. تمام مدت پنج روز از ساعت ۸ صبح تا ۷ شب، خودم آنجا بودم و اغلب حتی نمی رسیدم

ناهار بخورم. گوا اینکه موتور شایعه سازی توکلین با قدرت علیه این نمایشگاه بکار افتاده بود و همه جا نشسته و

میگفتند نمایشگاه کار حزب توده و راه کارگر است، یا اغلب میگفتند کار حزب توده است و خودشان حتی

یک نفر برای تماشا نیامد ولی تعداد ایرانیان بازدید کنندگان کم نبود و با وجودیکه در تهیه آن راه کارگری

و یک نفر از سازمان وحدت همکاری کردند، نمایشگاه بنام سازمان تمام شد و همه جا میگویند نمایشگاه عکس

راه کارگر خیلی خوب و عالی است.

ب- شب گرد همائی - در این شب قرار شد، یک عراقی، یک فلسطینی، یک کرد و من راجع به وضعیت

کلی خلقهایمان و تأثیر جنگ بین ایران و عراق بر روی وضعیت سیاسی و مبارزاتی هر چهار خلق صحبت

کنیم. برای این منظور بدو يك اعلامیه مشترك که قسمت عده آن از دستدار سازمان که زبان آلمانی

بهتری دارد نوشت. از یعقوب ظوروفچی هم دعوت کردیم که برایمان بخواند. البته ASTA به او ۲۰ مارک

پرداخت خواهد کرد. يك اسلاید هم از جنبش صلح مابورگ راجع به ایران تهیه کردیم. در این گرد -

همائی بیش از یکصد نفر شرکت کرده بودند که بطور عده ایرانی بودند. تعدادی هم غیر تشکیلاتی ها و در

مجموع در نوع خود موفق بود، عده موفقیت این مراسم در این بود که تمامی تلاشهای خائنین راست برای

قاطی کردن خودشان را با هوشیاری خنثی کردیم.

موفق باشید - یاشار

# جشن میرشیللی در پاریس

جشن میرشیللی در پاریس به

مناسبت بیست و یکمین سالگرد تأسیس میر

تاریخ جشن : جمعه ۲۴ اکتبر ۱۹۸۶

محل جشن : سالن مارتین لوترکینگ (سالن ۱۵۰ نفره)

تعداد شرکت کنندگان : حدود ۸۰ نفر

ترکیب شرکت کنندگان : غالباً شیلیایی ، حدود ۱۵ ایرانی و چند فرانسوی

شکل برگزاری : جشن عمدتاً هنری بود که توسط افراد گروههای مختلف شیلیایی انجام می شد (که

هیچیک چند آن کیفیت بالایی نداشت) و در خلال برنامه پیام های رسیده قرائت می شد. به علاوه

مقاله های تحت عنوان "پیام میر"، توسط رفیق آگوستین (مسئول اروپا، قبلاً مسئول فرانسه و فرورد

رابط با ما بود) قرائت شد.

پیام های رسیده : نخستین پیام، مربوط به "کمیته فرانسه" کشتگری ها بود که توسط نماینده

شان با اهداء یک دسته گل قرائت گردید.

پیامهای دیگر که تماماً توسط مجری برنامه قرائت می شد عبارت بودند از:

— حزب سوسیالیست السالوادور (به زبان شیلیایی)

— کمیته خارج از کشور سازمان کارگران انقلابی ایران (راه کارگر) (به زبان فرانسه)

— حزب کمونیست شیلی (اسپانیایی)

— سازمان چریکهای فدائی خلق ایران (دارودسته توکل) (فرانسه)

— حزب سوسیالیست شیلی در فرانسه (به زبان اسپانیایی)

— جوانان سوسیالیست السالوادور در پاریس (به زبان اسپانیایی)

— حزب سوسیالیست شیلی (به زبان اسپانیایی)

د و پیام دیگر نیز داده شده بود اما چنین تماماً به زبان اسپانیایی بود، متوجه نشد ما ز جانب

کی!

پیام میر : نکته برجسته این پیام، تضعیف شدید پیشوایان، تقویت انقلاب و نزدیکی پیروزی، در

چهارچوب همکاری با احزاب مترقی و انقلابی و بطور کلی اپوزیسیون شیلی بود.

## گزارش کوتاهی از کنگره صلح در د انمارک

این کنگره سالانه یکبار تشکیل میگردد که سال آینده احتمالاً در سوئد برپا خواهد شد. امسال ریاست کنگره را فردی مسن از "چپ رادیکال" به عهده داشت.

### نحوه شرکت در کنگره

الف - قبل از برپائی کنگره از طرف کمیته برگزارکننده کنگره فرمهایی در سطح د انمارک پخش شده بود. احزاب و سازمانهای د انمارکی و خارجی با پرکردن این فرمها شرکت خودشان را به کمیته برگزار کننده کنگره ابلاغ کرده و از طرف کمیته مذکور از آنان دعوت بعمل می آمد.

ب - شخصیت های شناخته شده د انمارکی و خارجی با پرکردن فرم شرکت خودشان را به کمیته برگزار کننده کنگره اعلام داشته و از طرف کمیته از آنان دعوت بعمل می آمد.

ج - افراد متفرده می توانستند با پرکردن فرم و باپرداختن ۵۰۰ کرون در این کنگره شرکت نمایند. چنین افرادی حق سخنرانی در کنگره نداشتند.

### احزاب، سازمان ها، شخصیت ها و نیروهای شرکت کننده در کنگره

در این کنگره نمایندگان کشورهای سوسیالیستی، هیأت های احزاب و سازمان های کمونیست و کارگری و شخصیت های صلح دوست و دمکرات، اکثریت شرکت کنندگان را تشکیل میدادند. بطوریکه دولت محافظه کار د انمارک و رسانه های گروهی متعلق به راست، با حد اکثر تبلیغات علیه این کنگره سعی می کردند. حتی هتلها به بهانه اینکه پول هتل باید از پیش پرداخت شود از دادن جا برای مهمانان این کنگره امتناع کردند. اکثر شرکت کنندگان این کنگره را مردم صلح دوست و مترقی کپنهاک در خانه های خود جای دادند. علاوه بر نیروهای شرکت کننده در ایالات، عدد کمی از نیروهای راست نیز در این کنگره شرکت داشتند.

### هیأت های نمایندگی ایرانی

از ایران حزب تود و اکثریت در این کنگره شرکت داشتند. هیأت "اکثریت" را فتاح پور و رقیبه دانشگری و هیأت حزب توده را نوروزی همراهی میکردند. هر سه نفر فوق الذکر در کنگره صحبت کردند و هاند. ولی از کیفیت سخنرانی آنان اطلاع دقیقی در دست نیست. از کردستان PKK در این کنگره شرکت داشته است. البته نقل قول دیگری نیز بود که هیأت کردی PKK نبوده است بلکه کومه بوده است. بهر حال سخنران این هیأت سیاست اتحاد شوروی مبنی بر تحویل اسلحه به ایران را محکوم کرده است.

### دعوا و بزن بزن در کنگره!

در روز آخر برپائی کنگره گروه موسوم به KAP که یک جریان مائوئیستی د انمارکی می باشد با جمع کردن حد اکثر نیرو و با جعل کارت خبرنگاری و غیره وارد کنگره میشوند. این کنگره به هنگام سخنرانی نمایندگانی که را گوشت به روی حمله ور شده و میکروفون را از دست سخنران گرفته و شروع به

دادن شعار می نمایند. اکثر نمایندگان کنگره با دادن شعار "هو، هو، USA" به مقابله می پردازند. گروه انتظارات کنگره بعد از آنکه موفق به خواباندن غائله نمی شوند با مهاجمان درگیر می شوند. درگیری با دخالت پلیس و دستگیری مهاجمان خاتمه می یابد. پلیس دستگیرشدگان را بعد از یک ساعت آزاد می کند!

لازم به یاد آوری است که این درگیری دو روزیست سرهم از تلویزیون پخش گردید.

احمد - دانمارک

## اخبار

✱ روزشنبه ۸ / ۱۱ / ۸۶ د مرکز شهر هانور (کرویکه) بین مجاهدین و حزب اللهی ها (که گویا اکثر آنها عرب بود هاند) د رگیری میشود و حزب اللهی ها با حمله به مجاهدین یکی د و نفر را زخمی کردند. وقتی پلیس د رد رگیری حضور یافت حزب اللهی ها اکثر ا فرار کرد ه بود ند ولی پلیس توانست سه نفر از آنها را دستگیر کند و بیگیری موضوع از طرف مجاهدین ادامه د ارد . مسئول مجاهدین د رهانسور میگفت که حزب اللهی های هانور را شناسائی کرده هاند ، ولی این افراد (که د ر این د رگیری شرکت کرد ه بود ند) چهره های جدید بود هاند .

✱ د رهایم اینزهاگن (حومه هانور) تعدادی عرب زندگی می کنند که سه نفر آنها حزب اللهی و وابسته به گروه امل هستند . یکنفر خارج ازهایم به آنها خط ویرنا مه مید هد . اخیرا ز سوی پناهندگان ایسن هایم ویه ابتکار پناهندگان ایرانی تصمیم گرفتند از احزاب و مقامات و رسانه های گروهی — حتی از حزب CDU — دعوت کرد ند که به هایم مزبور آمد ه و از نزد یک پناهندگان آشنا شوند و د نتیجه تفاهمی ایجاد گرد د . د ر همین رابطه ایرانیان اعلامیه ای د رهایم نصب کرد ند که همین مسائل را توضیح می د اد و د ر پائین اعلامیه شعار "مرگ بر جمهوری اسلامی" نوشته شد ه بود . حزب اللهی های مزبور که مسئول آنها گویا مدتی همد ر جبهه های ایران و عراق بنفع رژیم ایران حضور داشته و مقداری هم فارسی بلد است ، شعار مزبور را خواند ه و به جبهه های ایرانی دشنام د اد ه و گفته است که "شما کمونیست هستید و من خوب شما هارا می شناسم . شما علیه اسلام و خمینی هستید . . . " و با تهدید چاقو ایرانیها را مجبور می کند که اطلاعاتیه فوق را پائین بکشند و جمع مشب (۲ / ۱۱ / ۸۶) د ر راهرو عکس های خمینی و منتظری ، با شعار رهبران اسلام (بفارسی) نصب گرد ید ه بود .

✱ د ر هفته گذشته ۲ / ۱۱ / ۸۶ شنیدیم که فاشیست های آلمانی د رهانور اعلامیه ای د اد ه اند که د ر آن تهدید کرد ه اند هفته ای یکنفر خارجی و یکنفر کمونیست آلمانی را د رهانور خواهند کشت . به همین منظور تعدادی فاشیست ازهایم بوریگ به هانور آمد ه اند .

✱ جمعه گذشته ۳ / ۱۱ / ۸۶ تعداد ۲۷ نفر پناهند ه که اکثر ا افغانی و پاکستانی بود ه اند و سه نفر هم ایرانی ، توانسته بود ند به منظور پناهند ه شدن به آلمان ، به فرود گاه فرانکفورت پرواز کنند . د ر فرد و گاه فرانکفورت خواستند آنها را به هلند بازگرد انند و آنها تلاش کرد ند که فرار کنند و وکیسل خواستند . . . ولی موفق نشد ند و به هلند بازگرد اند شد ند . چند روز پیش ه شنیدیم که آنها را از هلند به ترکیه برگرد اند ه اند .

✱ د ر روزنامه د یواری پناهندگان سیاسی هانور خبری مبنی بر اینکه پلیس آلمان توسط د ستگاههای مد رن و اتوماتیک مکالمات تلفنی پناهندگان را ضبط و کنترل می کند د ر ج نمود ه است . د ر خبرنامه گفته شد ه است که یکی از روزنامه های آلمان این خبر را بچاپ رساند ه است .

# جنبش آزادیخواهان بلوچ



بلوچ و زحمتکشان سینانی!  
و همار انقلابی و مترقی!

اینک در شرایطی قرار داریم که سرنگونی رژیم به امری قطعی تبدیل شده است. کارگران زحمتکشان جامعه در اشکال متفاوت مبارزاتی خود باورها ضرورت سرنگونی رژیم را عملاً نشان داده‌اند. اما نبود آگاهی، عدم حضور فعال پیشرو فاعل در سازماندهی باعث شده است توان و نیروی مبارزاتی توده‌ها نتواند در جهت صحیح خود کانالیزه گردد و در واقع این نسیان باعث بخت رفتن پتانسیل مبارزاتی توده‌ها گردیده است.

در شرایط خاب‌نیستان و بلوچستان، زحمتکشان منطقه هر چند نتوانستند در سرنگونی رژیم نقش فعالی ایفا بکنند اما در دوران بعد از سرنگونی رژیم شاه و اعمال حاکمیت جمهوری مملکت، بعطت تداوم ستم ملی - طبقاتی و سرکوب و فشارهای کمر شکن اقتصادی و اجتماعی، به آرزو خود بخوسی علیه رژیم جمهوری اسلامی که بنیادار نظام حاکم بود روی آوردند. ولی این نبرازات بعطت ضعف آگاهی نمیتوانست در جهت صحیح پیش برود و اکثر این مبارزات غسود گشته در قالب عملیاتهای کور و بی هدف پیش می‌رفت. در این میان فکف پیشرو انقلابی در این سازماندهی این مبارزات در جهت اهداف انقلاب موجب می‌شد تا این مبارزات خود انگیخته بیشتر خدمت‌نیروهای مرتجع و خوانین فدا انقلاب در بیاید. که این خود باعث بخت رفتن توان مبارزات توده‌ها میگردد. با شناخت از این ضعف اساسی و با درک واقعی از نیاز مبرم جنبش منطقه و برای سازماندهی و هدایت مبارزات توده‌ها در جهت سرنگونی رژیم جمهوری اسلامی پیشرو اهداف انقلاب، هواداران سازمان چریکهای فدائی خلق در منطقه با همکاری عده‌ای از شغفگران انقلابی اقدام به ایجاد تشکیلات دمکراتیک توده‌ای در منطقه نمودند. با این اقدام قلمی که از درک عمیق شرایط ریشه گرفته بود شروع به سازماندهی و هدایت مبارزات توده‌ها در قالب این تشکیلات نمودند.

با اعلام جنبش آزادیخواهان بلوچ در دیماه سال ۶۰ و انتشار برنامه انقلابی تحوکی در مبارزات توده‌ها ایجاد گردید. و این جریان با تداوم کار خود در مدتی کوتاه توانست شرایطی گسترده در بین توده‌های بلوچ ایجاد بنماید. هر چند ضربات سال ۶۱ تا حد زیادی در جنبش آزادیخواهان بلوچ و فکف‌های ایجاد کرد اما نتوانست مانع فعالیت آن گردد. "جنبش" تداوم مبارزه خود بعنوان یک تشکیلات انقلابی پذیرای توده‌های زحمتکش گشت.

اما در این دوران بعطت غالب شدن سیاستها و دیدگاههای مکتار بیستی و ترجیح منافع تنگ زبانی و گروهی بجای منافع انقلاب و جنبش توده‌ها بر تشکیلات "بامی استار" و از آنجا که در اعفاء جنبش آزادیخواهان بلوچ را هواداران سازمان چریکهای فدائی خلق (بامی استار) کنترل می‌دادند، باعث شد تا به کار جنبش پایان داده شود. و این پایان به شکل قطعی و رسمی دم نگشت بلکه با تحمیل مرکزی تدریجی به کار "جنبش" خاتمه داده شد. این خاتمه از نی چیزی جز آغاز گسست از جنبش توده‌ها نبود که باعث گسست توده‌ها اعتماد خود را نسبت به پرواز دست بدهند و از طرفی دیگر مخالفت شدید رفقای درون تشکیلات را بز انگیخت. و هر چند که

رفقا به ضرورت شروع کار تشکیلات "حش... تاکید داشته و سارها این مسئله را به اشکال متفاوت خواستار شده اند. اما این امر از سوی مسئولین تشکیلات "بامی استار" که جدا از تشکیلاتی سازمان نبوده، نکوت و بی ساخت گذاشته شده است و مسئولین عملا نشان داده اند که منافع تنگ گروهی را بر منافع جنبش توده ها ترجیح میدهند. و همانطور که شاهد بوده ایم تمامی حرکات تشکیلات در طی این مدت در جهت نفی ضرورت سازماندهی جنبش توده ها بوده است. اما بعد از مدتها پیگیری این مسئله به این نتیجه رسیدیم که تشکیلات "بامی استار" مانعی در مقابله سازماندهی مبارزات توده ها ایجاد نکرده است. و حاضر نیست با فراتر از این منافع حقیر گروهی بگذارد. و بر اساس این اعتقاد که نجات مبارزات توده های منطقه از دام توطئه های خوانین و منقلب رفرمیسم در چهار چوب کتونی امکانپذیر نبوده و چهار چوب کتونی مانع شرکت عملی و فعال در مبارزات توده ها است. از اینرو در تاریخ ۱۳۰۴ ماه اقدام به جدایی از تشکیلات "بامی استار" نمودیم.

با شناخت عمیق از شرایط منطقه و با درک از نیاز اساسی انقلاب یعنی سازماندهی مبارزات توده ها برای ایفای سهم خود در مبارزات انقلابی خلق بلوچ که جزئی از مبارزات سراسری کارگران و زحمتکشان ایران است و برای پیوند این مبارزات با مبارزات سراسری و هدایت این مبارزات در جهت اهداف انقلاب. اقدام به احیای تشکیلات انقلابی جنبش آزادیخواهان بلوچ نموده و از هم اکنون حرکت مستقل خود را تحت عنوان تشکیلات فوق آغاز می نماییم.

هدف جنبش آزادیخواهان بلوچ، تحقق اهداف انقلاب و متشکل کردن توده های بلوچ برای کسب حق ملی و تعیین سرنوشت خویش می باشد. و این خواست جدا از مسئله کل انقلاب ایران نیست و تنها با پیروزی قطعی انقلاب است که ملت بلوچ بخواهد دیگر ملل به این خواست خود دست می یابد پیروزی انقلاب وقتی میسر است که جمهوری اسلامی توسط کارگران و زحمتکشان بطور قهرآمیز سرنگ شود و جمهوری دموکراتیک خلق مستقر گردد. دستگاه اداری نظامی که بمشابه ستون فقرات نظام ستوری کتونی است درهم شکسته شود و بجای آن ارگانه های اقتدار توده ای مستقر شوند. این خواست نه در تضاد با اهداف و منافع انقلابی کارگران و زحمتکشان سایر ملل ایران است بلکه در انطباق کامل با آن قرار دارد و بمشابه بخشی از نیروی جنبش انقلابی و مترقی برای تحقق این اهداف و برای نجات مبارزات توده ها از دام نیروهای فئودالی و انحرافات ناسیونالیستی به سازماندهی مبارزات توده ها میبرد ازیم و یقین داریم که تنها از این طریق میتوان توده ها را متشکل ساخت و آنانرا در جهت رسیدن به جامه های کد تاری از ستم ملی و طبقاتی باند بسازد پیش برد.

در پایان از تمامی نیروهای انقلابی و مترقی و از تمام کسانی که اهداف خود را در تطابق با اهداف جنبش انقلابی توده ها و خلق بلوچ میدانند و برای تحقق آن مبارزه می کنند دعوت به شرکت و همکاری می نماییم.

مرکز امپریالیسم جهانی سرکردگی امپریالیسم آمریکا و پایگاه داخلی سرنگون باد رژیم جمهوری اسلامی - برقرار باد جمهوری دموکراتیک خلق پیروز باد مبارزات خلق بلوچ در راه آزادی و خودمختاری

جنبش آزادیخواهان بلوچ

# اعلام جدانی ها از تشکیلات "بامی استار"

زحمتکشان بلوچ!

نیروهای انقلابی و مترقی!

اینک بیش از هفت سال از حاکمیت سیاه جمهوری اسلامی بر عرصه خونین کشور می گذرد. رژیم طی بیش از هفت سال حاکمیت ستمگراانه خود جامعه را به سوی نابودی و ویرانسی و بربریت قرون وسطی سوق داده است. زندگی کارگران و زحمتکشان جامعه روز بروز به فلاکت و نیستی می گراید. بحران اقتصادی روز بروز تعمیق یافته و بر ابعاد فاجعه بار آن افزوده می گردد. تورم، گرانی افسار گسیخته، کمبود و نبود ابتدائی ترین احتیاجات زندگی، مشکلات و فشارهای مختلف اجتماعی، افزایش فاجعه بار بیکاری و آوارگی، و شرایط سخت زندگی... باعث رشد آگاهی توده ها و رسیدن به ضرورت سرنگونی رژیم شده و آنها را به مبارزه خودبخودی علیه رژیم و رویارویی با آن کشانده است. و ما هر روز شاهد گسترش و اوچکتری این مبارزه هستیم. و مشاهده می کنیم که روز بروز توده های بیشتری به صحنه مبارزه علیه حاکمیت وارد می شوند.

اینک در شرایطی قرار داریم که توده های زحمتکش منطقه به مبارزه مستقیم علیه رژیم روی آورده اند. و کارگران و زحمتکشان منطقه، اشکال مختلف از مبارزه منفی و تحریم گرفته تا مبارزه مسلحانه علیه رژیم مبارزه می نمایند. و این مبارزات روز بروز ابعاد بیشتری می یابند و با گذشت هر روز ما شاهد افزایش این مبارزات هستیم. در چنین شرایطی که توده ها بطور خود خودی به مبارزه علیه رژیم روی آورده اند و سرنگونی رژیم جمهوری اسلامی قطعی گشته است. امر سازماندهی مبارزات توده ها و هدایت آنها در جهت اهداف انقلاب به وظیفه ای اساسی و مبرم تبدیل گشته است. وظیفه اساسی که تاکنون از سوی هیچیک از جریانات انقلابی در منطقه بدان پاسخی داده نشده است. توده ها خود بخود به مبارزه قهرآمیز علیه رژیم روی آورده اند و چه به صورت فردی و یا جمعی بر علیه رژیم بمبارزه برخاسته اند. و جریانات سیاسی جدا از توده های نیاز خود را می نواخته اند. عدم توجه به سازماندهی مبارزات توده ها هدایت آنها بنوی اهداف انقلاب، تاکنون ضربات سنگینی بر جنبش وارد ساخته است. ضعف پیرو در سازماندهی و متشکل ساختن توده ها و عدم شرکت فعال در مبارزات آنها موجب گردهم آمدن تا خوانین فداانقلاب و مرتجعین منطقه بتوانند قسمت اعظم مبارزات توده ها را به انحراف بکشانند. و آنها را در جهت اهداف خود بکار گیرند.

در چنین شرایطی که سازماندهی توده ها به وظیفه اساسی تبدیل شده تشکیلات "بامی استار" هوادار سازمان چریکهای فدائی خلق ایران بمنوان نیروی پیشروی منطقه نه تنها نتوانسته است پاسخی به این نیاز جنبش بدهد. بلکه بعطیت پیشبرد سیاستهای غلط و سکتاریستی روز بروز تشکیلات را از توده ها جدا ساخته و آنها را به انزوا کشانده است. انزوایی که روز بروز بر ابعاد آن افزوده می گردد. تا جایی که اکنون نه تنها نمی توان از توده های هوادار و پشتیبان تشکیلات محبتی بمیان آورد بلکه بسیاری از هواداران تشکیلاتی نیز بر اثر سیاستهای غلط حاکم بر تشکیلات به انفعال کشیده شده اند. در دورانی که باید به متشکل ساختن و سازماندهی توده ها پرداخت، تشکیلات "بامی استار" با پیشبرد سیاستهای نادرست در جهت گسست تمام ارضیاطات توده ای حرکت نموده است تا جایی که اکنون کلیه امکانات توده ای از دست رفته اند و از جانی دیگر این خود بی اعتمادی توده ها را نسبت به تشکیلات سبب شده است.



و اما در عرصه تشکیلات، حاکمیت سیاستهای کنترلیستی، نسود سانترالسم دمکراتیک بی توجیهی و عدم پاسخگویی به مسائل رفقای تشکیلات، و بی توجیهی به رشد و پرورش اعضاء تشکیلات و بها ندادن به آنها، عدم پیشبرد صحیح اصل انتقاد و انتقاد از خود و بحیره موجب شده تا در میان اعضاء تشکیلات جو بی اعتمادی پرورش پیدا بکند. مسئولین تشکیلات بی توجه به نیازهای رفقا بی توجه به رشد و پرورش اعضاء تشکیلات تاکنون نه تنها پاسخی به مسائل و انتقادات رفقای تشکیلات نداده اند بلکه سعی نموده اند تا با پیشبرد شیوه های تهمت پرآکنی و بر چسب زنی منتقدین خود را ایزوله نمایند. و پیشبرد چنین سیاستهایی از جانب دیگر باعث ترویج باند با زور گزینشهای غلط و صرف نزدیکیشان با مسئول و ایجاد جو غیر رفقانسه در درون تشکیلات گشته است.

ما با شناخت از اینکه پیشبرد چنین سیاستهایی راه را بر دخالت فعال در مبارزات و سازماندهی خودها سد نموده و در عرصه تشکیلاتی افعال و پاسیفیم را بجای یقانی فعال جایگزین مصلحتگرایی و با اعتقاد به اینکه این سیاستها نمی توانند جدا از خط و مشی کلی حاکم بر سازمان باشند و همچنین با اعتقاد به اینکه هیچگونه امیعی برای حل این مخلفات از جانب تشکیلات وجود ندارد. و همچنین در اعتراض به این سیاستهای غلط و برای رهایی از گسره آب کنترلیسم و منافع تنگ محلی و گروهی اقدام به جدائی از تشکیلات "بامی استار" می نمائیم.

ما در پاسخ به نیاز اساسی جنبش خلق بلوچ و در پاسخ به سازماندهی کارگران و زحمتکشان بر اساس منافع طبقاتی شان و برای رهایی از انزوا و در خود و برای خود بودن و برای رهایی از متاع حقیر و تنگ نظرانه گروهی و حرکت بر اساس منافع طبقات انقلابی جامعه و بسرای وحدت بین جنبش بلوچستان از دام خوانین ضدانقلاب و نیروهای رفرمیست و برای هدایت سازمانده مبارزات خلق بلوچ حرکت مستقل خود را آغاز می کنیم.

ما راهی دشوار و پر سنگلاخ را آغاز نموده ایم و این آغاز دشوار را با فداکاری و پشتکار انقلابی و رفقایمان و با حمایت و یاری بیدریغ توده ها به پیش خواهیم برد. بطور قطع در این راه پشتیبانی نیروهای انقلابی و مترقی و تمام آنهایی که به رهایی انسان از قید ستم و استثمار و سرکوشی قهر آمیز رژیم جمهوری اسلامی و برقراری جمهوری دمکراتیک بر پایا ارگانهای اقتدار توده ای اعتقاد دارند، میتواند یاریگر ما باشد.

مرگ بر امپریالیسم جهانی بسرکردگی امپریالیسم امریکا و پایگاه داخلی  
سرنگون باد رژیم جمهوری اسلامی - بر قرار باد جمهوری دمکراتیک خلق  
پیروز باد مبارزات خلق بلوچ در راه آزادی و خودمختاری

اکثریت تشکیلات "بامی استار"

۱۹ آبان ماه ۱۳۶۵